



پیشگامان پیشرفت آرا



افرا



واکنش افکار عمومی ایران نسبت به جنگ با رژیم صهیونیستی

تحلیل سیاستی و راهکارهای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی

بسمه تعالی

مقدمه

با تشدید تنش‌های نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، افکار عمومی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در پشتیبانی ملی از تصمیمات راهبردی ایفا می‌کند. این واکنش‌ها در جامعه ایران نه‌تنها بازتابی از احساسات و باورهای عمومی است، بلکه معیاری برای سنجش ظرفیت‌های بسیج اجتماعی و انسجام ملی در شرایط بحرانی محسوب می‌شود.

تحلیل وضعیت افکار عمومی در این زمینه واجد لایه‌هایی چندگانه است:

لایه هیجانی: همراه با بروز احساسات دینی، ملی و ضدصهیونیستی که در قالب تجمعات و حمایت‌های مردمی ظهور می‌یابد.

لایه تحلیلی: ناظر بر ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و پیامدهای درگیری نظامی، مطالبه‌گر شفافیت و اقناع‌سازی از سوی نهادهای رسمی.

لایه کنشی: مشارکت در اقدامات داوطلبانه، پویش‌های ملی و پشتیبانی اجتماعی از نیروهای مسلح. این لایه‌ها، در مجموع، افکار عمومی را به یک متغیر راهبردی در حکمرانی امنیتی تبدیل کرده‌اند که در صورت مدیریت مؤثر، می‌توانند پشتوانه‌ای قدرتمند برای تاب‌آوری ملی باشند.



چالش‌ها

باوجود ظرفیت‌های گسترده برای بهره‌گیری از افکار عمومی به‌عنوان سرمایه‌ای راهبردی در جهت تقویت انسجام ملی، تاب‌آوری اجتماعی و پشتیبانی از سیاست‌های دفاعی کشور، تحقق این هدف نیازمند غلبه بر مجموعه‌ای از موانع و چالش‌های بنیادین در سطوح ساختاری، ارتباطی و نهادی است. تجربه‌های گذشته و تحولات اخیر نشان می‌دهد که در غیاب سازوکارهای یکپارچه، داده‌محور و مبتنی بر حکمرانی مشارکتی، هماهنگی میان مردم، نخبگان، رسانه‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز با اختلال مواجه می‌شود و اثربخشی سیاست‌ها در مدیریت افکار عمومی کاهش می‌یابد. ازاین‌رو، شناسایی دقیق چالش‌های موجود، شرط لازم برای طراحی پاسخ‌های سیاستی مؤثر و تقویت آمادگی ملی در شرایط بحرانی است. در ادامه، برخی از چالش‌های کلیدی که مانع از بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت افکار عمومی در مواجهه با تهدیدات راهبردی به‌ویژه در شرایط جنگی می‌شوند، مرور می‌گردد:

- نبود سامانه منسجم برای رصد پیوسته، علمی و داده‌محور نگرش‌های عمومی
- فرسودگی و ناکارآمدی الگوهای سنتی اطلاع‌رسانی و روایت‌پردازی
- ضعف در هم‌افزایی میان رسانه‌های رسمی، نخبگان فرهنگی و نهادهای سیاست‌گذار
- شکنندگی اعتماد عمومی در مواجهه با پیام‌های متناقض، شایعات و جنگ روانی
- فقدان ساختار یکپارچه و مؤثر در حکمرانی ادراکی و مدیریت امنیت روانی جامعه

راهبردهای پیشنهادی

در پاسخ به چالش‌های فوق، مجموعه‌ای از اقدامات سیاستی قابل طرح است:

➤ توسعه زیرساخت‌های داده‌محور برای پایش ادراک عمومی: راه‌اندازی سامانه ملی پایش افکار عمومی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، کلان‌داده و تحلیل‌گران میان‌رشته‌ای برای رصد بلادرنگ تحولات روانی و اجتماعی جامعه.

➤ بازآفرینی مدل‌های اطلاع‌رسانی و تقویت روایت‌سازی ملی: تشکیل مرکز ملی روایت‌های راهبردی با مأموریت تولید روایت‌های بومی و امیدآفرین، مقابله با جنگ روانی دشمن و هماهنگی میان رسانه‌ها، نهادهای امنیتی و فرهنگی.

➤ ارتقای مشارکت‌پذیری اجتماعی و شبکه‌سازی مردمی: فعال‌سازی نهادهای داوطلب، گروه‌های جهادی و نیروهای محلی برای کاهش اضطراب اجتماعی، تقویت پیوند دولت-ملت و مشارکت در برنامه‌های ملی.

- تغییر در الگوهای حکمرانی بحران به سمت مدل تعاملی و انعطاف‌پذیر: طراحی سازوکارهای بازخوردپذیر، استفاده از پنل‌های مشورتی نخبگان و افزایش شفافیت تصمیم‌سازی برای ارتقای مشروعیت و اثربخشی سیاست‌ها.

- سرمایه‌گذاری بر امنیت روانی و آموزش تاب‌آوری عمومی: اجرای برنامه‌های ملی سواد رسانه‌ای، تولید محتوای اقناعی، تقویت خطوط پاسخگویی رسمی، و مقابله با اضطراب‌آفرینی از سوی رسانه‌های معارض.





اقدامات فوری پیشنهادی

در شرایط فعلی، برخی اقدامات کوتاه‌مدت نیز توصیه می‌شود:

- تشکیل اتاق عملیات روانی - رسانه‌ای برای هماهنگی روایت‌ها و پاسخگویی سریع به شایعات
- تقویت ارتباط مستقیم با مردم از طریق نشست‌های خبری کوتاه، سامانه‌های تعاملی و شبکه‌های محلی
- تولید و انتشار فوری بسته‌های محتوایی اقناعی توسط نخبگان فرهنگی و رسانه‌ای
- بهره‌گیری از نهادهای مردمی برای تقویت انسجام محلی و مدیریت اضطراب اجتماعی

جمع‌بندی

در شرایط جنگی، افکار عمومی نه تهدید، بلکه ظرفیتی راهبردی برای افزایش اقتدار ملی است؛ مشروط بر آنکه به‌صورت علمی رصد، تحلیل و مدیریت شود. هم‌افزایی میان نهادهای رسانه‌ای، امنیتی، فرهنگی و مردمی، در کنار تغییر رویکرد به حکمرانی تعاملی، می‌تواند تضمین‌کننده تاب‌آوری اجتماعی و ثبات ملی در مواجهه با تهدیدات آینده باشد.